

تأملی بر نقش دیوان عدالت اداری در تضمین حق دسترسی به اطلاعات

علی مشهدی^۱

علیرضا دبیرنیا^۲

زهرا بیدار^۳

چکیده

حق دسترسی به اطلاعات به عنوان یکی از حقوق شناخته شده برای افراد به این معناست که هر یک از اعضای جامعه بتوانند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشند که در یکی از مؤسسات عمومی یا مؤسسات خصوصی ارائه دهنده خدمات عمومی نگه داری می شود و آن مؤسسه مکلف است جزر موارد استثنایی و احصاشده در قانون، اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار دهد. تضمین این حق، نیازمند ایجاد سازوکارهای نظارتی مناسب است که از میان این سازوکارها، نظارت قضایی به دلیل برخورداری از ضمانت اجراهای مناسب، تأثیر چشم‌گیری در اجرای این حق دارد.

این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی، با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و با بررسی رویه قضایی دیوان عدالت اداری در پی بررسی نقش این نهاد قضایی در تحقق حق دسترسی به اطلاعات است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این نهاد قضایی از رهگذر نظارت بر آرای کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری و ابطال مصوبات ناقض حق دسترسی به اطلاعات می‌تواند در تضمین و اجرای این حق نقش مؤثری ایفا کند.

واژگان کلیدی: حق دسترسی به اطلاعات، دیوان عدالت اداری، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، نظارت قضایی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات.

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه قم، droitenviro@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه قم، dr.dabirnia.alireza@gmail.com

۳. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول)، zb.zahrabidar@gmail.com

مقدمه

ارائه تعریف جامعی از دسترسی به اطلاعات از مفهوم دیگری به نام آزادی اطلاعات^۱ آغاز می‌شود. شاید تصور شود که منظور از آن، آزادی همه انواع اطلاعات است، اما این تصور درست نیست. منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و آن دسته از مؤسسات خصوصی است که خدمات عمومی ارائه می‌دهند.^۲ با توجه به گمراه‌کننده بودن این اصطلاح، برخی کشورها از عنوان دقیق‌تری در خصوص این آزادی استفاده کردند که نشان‌دهنده محتوای آن نیز باشد. برای مثال، در کشور فرانسه از عنوان «آزادی دسترسی به اسناد اداری»^۳ استفاده شده است.^۴ «حق دسترسی به اطلاعات»^۵، نتیجه و محصول آزادی اطلاعات و به تعبیری، آزادی اطلاعات چارچوب‌بندی شده است. حق دسترسی به اطلاعات یعنی این که هر یک از اعضای جامعه بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی نگه‌داری می‌شود و آن مؤسسه جز در موارد استثنایی و احصاشده و مشخص مکلف است اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار دهد.^۶ حق دسترسی به اطلاعات به شهروندان امکان می‌دهد از آن چه در درون حکومت می‌گذرد، مطلع شوند و بر اساس این آگاهی به ارزیابی عملکرد سیاست‌گذاران جامعه بپردازند و برای اداره جامعه، تصمیم‌های درست‌تری بگیرند.^۷

آزادی اطلاعات یا حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی، در مقایسه با دیگر آزادی‌ها، عمر چندانی ندارد. این حق، نخستین بار در سال ۱۷۶۶ در قانون مطبوعات سوئد شناسایی شد.^۸

1. Freedom of information

۲. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، تهران: دادگستر، ۱۳۸۷، صص ۲۵ و ۲۶.

3. Freedom of access to administrative documents, Liberté d'accès aux documents administratifs

4. Laveissier, J., "L' accès aux documents administratifs", Information et transparence administratives, 280, 1988, p. 12.

5. Right to information

6. Dyrberg, P., "current issues in the debstes on public access to documents", European law review, 1999, p. 157.

7. Amaryllis, V., "The Right to Information: A Fundamental Right", 2000, p. 9, available at: www.eipa.nl/Publications/Summaries/1997-2000/WorkingPapers/ConferenceProceedings/Amaryllis.pdf.

8. Blanton, T., "The Global Openness Movement in 2006: 240 Years after the First Freedom of Information Law, Access to Government Information Now Seen as a Human Right", Anders Chydenius Foundation, 2006, p. 80.

در این قانون، الزام به افشای اسناد دولتی بر اساس درخواست متقاضیان پیش‌بینی شده است.^۱ بر اساس این قانون، «هر سوئدی از حق آزادی دسترسی به اسناد رسمی برخوردار است.» در بسیاری از منابع بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای از حق جست‌وجو و دریافت اطلاعات سخن به میان آمده و از کشورهای عضو خواسته شده است که در قوانین داخلی خود از این حق حمایت کنند.

«اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۲ و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۳ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»^۴ «منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم»^۵ و «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»^۶ در زمره مهم‌ترین اسناد بین‌المللی هستند که از حق دسترسی به اطلاعات حمایت کرده‌اند. علاوه بر منابع بین‌المللی، این حق در سطح داخلی و در نظام حقوقی کشورهای مختلف نیز به رسمیت شناخته شده، بدین گونه که حق دسترسی به اطلاعات در قوانین اساسی، قوانین عادی یا در هر دو آن‌ها شناسایی گردیده است. در قوانین عادی، گاه یک قانون خاص با عنوان قانون آزادی اطلاعات یا قانون دسترسی به اطلاعات و اسناد و عناوین مشابه دیگر به این مهم اختصاص یافته و گاه این حق در ذیل قوانین دیگر جای گرفته است.

باید در نظر داشت که صرف بیان این حق در قانون به معنی وجود امکان دسترسی به اطلاعات نیست. هنوز در برخی کشورها، سازوکارهای تحقق این حقوق پیش‌بینی و تدوین نشده است یا به درستی عمل نمی‌کند. هنوز بسیاری از حکومت‌ها از انتشار اطلاعات مورد توجه و نیاز شهروندان سر باز می‌زنند. رسیدگی به تقاضای دریافت اطلاعات به تأخیر می‌افتد یا دستگاه‌های دولتی برای در اختیار نهادن اطلاعات، هزینه‌های نامعقولی از متقاضیان مطالبه می‌کنند. گاه استنباط دادگاه‌ها از مواد قانون حق دسترسی، این قوانین را بی‌فایده می‌کند یا حکومت‌ها بر نهادهای مستقلی که

۱. نمک‌دوست، حسن، «آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۸۲، ص ۷۴.

2. The universal declaration of human rights (UDHR), 1948

ماده ۱۹ اعلامیه که در ضمن شناسایی آزادی بیان، به جست‌وجو، دریافت، انتشار و افشای اطلاعات اشاره دارد.

3. International covenant on civil and political rights (ICCPR), 1966.

ماده ۱۹ میثاق در قالب حمایت از حق آزادی عقیده و بیان از آزادی اطلاعات حمایت کرده است.

4. European Convention on Human Rights (ECHR) این کنوانسیون از این حق حمایت کرده است.

5. African charter on Human and people Rights (ACHPR), 1981 این منشور به این حق اشاره دارد.

6. American Convention on Human Rights (ACHR), 1969 این کنوانسیون به این حق اشاره دارد.

اطلاعات و حق اطلاعات و آگاهی را مطالبه می‌کنند، فشار می‌آورند.^۱

پس حمایت و تضمین این حق مستلزم دو اقدام است: نخست، شناسایی آن (هنجارسازی) و دیگر، نظارت بر اعمال و رعایت هنجارها با ایجاد سازوکار نظارتی مناسب. صرف شناسایی هنجارها بدون وجود سازوکارهایی که اعمال و اجرای آن‌ها را محقق کند، موجب می‌شود این حق صرفاً روی کاغذ و در حد شعار و خواسته باقی بماند.^۲

برای توضیح بیش‌تر گفتنی است که به طور معمول، روند دسترسی به اطلاعات با مراجعه مستقیم یا غیر مستقیم (از طریق سامانه‌های الکترونیکی) اشخاص به مؤسسات مشمول و درخواست اطلاعات از آن‌ها آغاز می‌گردد. بنا به دلایل مختلف ممکن است اشخاص درخواست‌کننده نتوانند به اطلاعات مورد نظر خود دست یابند یا کیفیت اطلاعات ارائه‌شده به آن‌ها مطلوب نباشد (برای مثال، اطلاعات ناقص ارائه شوند). به همین دلیل، پیش‌بینی مرجعی برای رسیدگی به شکایات اشخاص گفته‌شده لازم است.

در کشورهای مختلف، در قوانین و مقررات راجع به حق دسترسی به اطلاعات، در وهله نخست، امکان شکایت از تصمیمات یا اقدام مؤسسات عمومی در مرجع بالاتری که درون آن مؤسسه قرار دارد، پیش‌بینی شده است تا این مرجع بتواند اقدامات و تصمیمات اولیه را بررسی کند. اگر رسیدگی درون سازمانی به شکایت مؤثر نباشد، حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی از تصمیم یا اقدام آن مؤسسه در مرجعی اداری یا قضایی مستقل پیش‌بینی شده است. این مرجع مستقل ممکن است دیوان اداری، آموذزمان، کمیسیون حقوق بشر یا کمیسیون آزادی اطلاعات باشد.^۳

در ادامه مطلب، ضمن بررسی اجمالی تاریخچه قانونی حق دسترسی به اطلاعات در ایران و واکاوی ترکیب و حدود صلاحیت کمیسیون نظارت و دسترسی به اطلاعات به عنوان نهاد ناظر و تضمین‌کننده این حق به نقش دیوان عدالت اداری در تضمین حق دسترسی به اطلاعات (نقش شعب دیوان و نقش هیئت عمومی) خواهیم پرداخت.

۱. نمک‌دوست، پیشین، ص ۷۶.

۲. انصاری، باقر، حق دسترسی به اطلاعات، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، ۱۳۹۹، ص ۲۹۷.

۳. همان، ص ۲۹۸.

گفتار اول. سیری در تاریخچه قانونی حق دسترسی به اطلاعات در ایران

به طور کلی، شناسایی حق دسترسی به اطلاعات در منابع قانونی را می‌توان در دو سطح قانون اساسی و قوانین عادی بررسی کرد. بر اساس این تقسیم‌بندی به بررسی حق دسترسی به اطلاعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی خواهیم پرداخت.

بند اول. حق دسترسی به اطلاعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بررسی قانون اساسی نشان می‌دهد هیچ اصلی در این قانون به صراحت به حق دسترسی به اطلاعات اختصاص نیافته است، ولی می‌توان اصولی از این قانون را به حق دسترسی آزاد به اطلاعات پیوند داد یا به عنوان پیش شرط و زمینه‌ای برای تحقق این حق در نظر گرفت. بند دوم از اصل سوم قانون اساسی، یکی از وظایف دولت را «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» برشمرده است. البته چنین ارائه اطلاعاتی مبتنی بر درخواست مردم نیست و دقیقاً منطبق بر آن چیزی نیست که از حق دسترسی آزاد به اطلاعات گفته شد، اما می‌توان آن را به گونه‌ای با حق دسترسی آزاد به اطلاعات مرتبط دانست.

بند هشتم از این اصل نیز به «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» اشاره کرده است. لازمه مشارکت از هر نوع، دسترسی داشتن به اطلاعات مرتبط با آن است. یکی دیگر از اصول قانون اساسی در خصوص حق دسترسی به اطلاعات، اصل هشتم است. علت ارتباط این اصل با حق دسترسی به اطلاعات از این جهت است که اقدام به امر به معروف و نهی از منکر مستلزم وجود حق دسترسی به اطلاعات است؛ زیرا تا زمانی که شهروند اطلاعات کافی نداشته باشد، نمی‌تواند حق یا تکلیف خویش در امر به معروف و نهی از منکر حکومت را به طور کامل ادا کند.^۱ از جمله اصول دیگر مرتبط با این حق می‌توان به اصول ۲۴، ۲۵، ۶۹ و ۹۰ قانون اساسی اشاره کرد.

۱. ویژه، محمد رضا و آزاده سادات طاهری، «تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتوی اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات»، فصل‌نامه پژوهش حقوق، شماره ۳۵، ۱۳۹۰، ص ۲۴۳.

بند دوم. حق دسترسی به اطلاعات در قوانین عادی

ماده (۵) قانون مطبوعات مصوب^۱ ۱۳۶۴ به حق دسترسی به اطلاعات اشاره دارد، ولی نخستین و کامل‌ترین قانون در این زمینه، «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، مصوب ۱۳۸۸ است. این قانون مشتمل بر ۶ فصل و ۲۳ ماده است. فصول این قانون به ترتیب عبارتند از: تعاریف و کلیات، آیین دسترسی به اطلاعات، ترویج شفافیت، استثنائات دسترسی به اطلاعات، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و مسئولیت‌های مدنی و کیفری.

پیش از تصویب این قانون، در دستگاه‌های اجرایی کشور، تصور غالب این بود که اصل بر اطلاع‌رسانی نکردن است. اطلاع‌رسانی نکردن در خصوص برخی از مؤسسات به حدی بود که حتی از انتشار قوانین و مقررات مربوط به خود که موجب حق و تکلیف بودند، امتناع می‌کردند. کم‌تر کارمندی بر این باور بود که اطلاعات به مردم تعلق دارند و باید آن‌ها را در اختیار متقاضیان قرار داد. بر اساس این قانون مقرر گردید هر شخص ایرانی اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی، حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آن‌که دسترسی به اطلاعاتی را قانون منع کرده باشد.^۲ از جمله این مستثنیات قانونی می‌توان به اطلاعات مربوط به اسرار دولتی،^۳ اطلاعات مربوط به حریم خصوصی^۴ و اطلاعاتی اشاره کرد که جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا متضمن ورود خسارت مالی یا تجاری برای آن‌ها باشد.^۵ هم‌چنین در ماده ۱۷ این قانون مقرر شده است که اگر ارائه اطلاعات به امنیت و آسایش عمومی، پیش‌گیری از جرایم یا کشف آن‌ها، بازداشت یا تعقیب مجرمان، ممیزی مالیات یا عوارض قانونی یا وصول آن‌ها و اعمال نظارت بر مهاجرت به کشور لطمه

۱. «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات است».

۲. ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آن‌که قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آن‌ها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود».

ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: «هر شخص حقیقی و حقوقی ایرانی می‌تواند درخواست خود برای دسترسی به اطلاعات مشمول قانون را از طریق سامانه ارائه کند...».

۳. ماده ۱۳ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات.

۴. ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات.

۵. ماده ۱۶ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات.

وارد کنند، باید از دادن آن‌ها خودداری ورزید.

از جمع مواد این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۳ به تصویب هیئت وزیران رسیده است، مشخص می‌گردد دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، شهرداری‌ها، نهادهای انقلابی، نیروهای مسلح، قوای قضاییه و مقننه و مؤسسات، شرکت‌ها، سازمان‌ها، نهادهای وابسته به آن‌ها اعم از آن‌که مستلزم ذکر یا تصریح نام باشند یا نباشند و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شوند، با رعایت تبصره ماده (۱۰) قانون و هم‌چنین هر مؤسسه، شرکت یا نهادی که تمام یا بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به دولت یا حکومت بوده و در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است و مؤسسات غیر عمومی که ماهیت غیر انتفاعی داشته و ارائه یک یا چند خدمت حرفه‌ای یا صنفی بر عهده آن‌هاست، از جمله مؤسسات مشمول این قانون هستند.

بند سوم. ترکیب و حدود صلاحیت کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

بر اساس این قانون، روند دسترسی به اطلاعات به این صورت است که هر یک از اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی می‌توانند درخواست خود را به مؤسسات مشمول این قانون ارائه دهند. این مؤسسات مکلفند بدون مطالبه هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی برای تقاضاهای دریافتی،^۱ در سریع‌ترین زمان ممکن به صورتی کتبی یا الکترونیکی^۲ پاسخ دهند و در هر صورت، مدت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد.^۳

قانون‌گذار پس از شناسایی حق دسترسی به اطلاعات، به منظور تضمین اجرای این حق، کمیسیونی به نام کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ماده (۱۸) این قانون پیش‌بینی کرده است. بر

۱. ماده ۷ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: «مؤسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند».

۲. ماده ۹ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: «پاسخی که توسط مؤسسات خصوصی به درخواست‌های دسترسی به اطلاعات داده می‌شود، باید به صورت کتبی یا الکترونیکی باشد».

۳. ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: «مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت، مدت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد...».

اساس این ماده قانونی، این کمیسیون متشکل است از: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رئیس کمیسیون، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات یا معاون ذی ربط، وزیر اطلاعات یا معاون ذی ربط، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا معاون ذی ربط، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا معاون ذی ربط، رئیس دیوان عدالت اداری، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات کشور.

به باور برخی افراد، با توجه به اعضای کمیسیون، کمیسیونی که از اعضای متعلق به حاکمیت کشور و با اکثریت قوه مجریه تشکیل شده است، نمی تواند وظایف یاد شده را نسبت به مؤسساتی اعمال کند که قائل به اسرارگرایی هستند.^۱ بر همین اساس، پیشنهاد شده است به منظور رعایت بیش تر حق شهروندان در دسترسی به اطلاعات عمومی، حضور نمایندگانی از جامعه مدنی در این کمیسیون ضروری است.^۲

بر اساس ماده (۱۸) این قانون، وظایف این کمیسیون عبارتند از: ۱. حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می دهند، ۲. تدوین برنامه های اجرایی لازم در عرصه اطلاع رسانی، ۳. نظارت کلی بر حسن اجرا، ۴. رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه و فرهنگ سازی، ۵. ارشاد و ارائه نظرات مشورتی.

یکی دیگر از وظایف تعیین شده برای این کمیسیون، رسیدگی به اعتراض متقاضیانی است که در جریان مراجعه به مؤسسات مشمول قانون پاسخ نگرفته یا نسبت به پاسخ ارائه شده اعتراض داشته باشند. این صلاحیت که بر اساس ماده (۱۷) آیین نامه اجرایی ماده (۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۴۰۰/۰۳/۲۳ هیئت وزیران^۳ به صراحت برای این کمیسیون پیش بینی

۱. خانی والی زاده، سعید، «کمیسیون های دسترسی به اطلاعات در پرتو حقوق فرانسه»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۴۵.

۲. ویژه و طاهری، پیشین، ص ۲۵۳.

۳. متقاضی می تواند در صورت عدم دریافت پاسخ در مهلت قانونی یا داشتن اعتراض نسبت به پاسخ ارائه شده، اعتراض خود را ظرف ۲۰ روز از طریق سامانه به مؤسسه مربوط اعلام کند و در صورتی که این اعتراض مؤثر واقع نشد، اعتراض خود را برای رسیدگی و حل اختلاف، از طریق سامانه به کمیسیون تقدیم کند. نحوه دریافت و بررسی این اختلافات به موجب شیوه نامه مصوب کمیسیون خواهد بود.

شده، مشروط به این است که متقاضی در وهله اول، اعتراض خود را ظرف ۲۰ روز از طریق سامانه به مؤسسه مربوط اعلام کند و اگر این اعتراض مؤثر واقع نشود، اعتراض خود را از طریق سامانه به کمیسیون ارائه می‌کند.

گفتار دوم. نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر تضمین حق دسترسی به اطلاعات

نقش نظارتی دیوان عدالت اداری در تضمین حق دسترسی به اطلاعات را می‌توان در دو بند یعنی بررسی حدود صلاحیت «شعب دیوان» و «هیئت عمومی دیوان عدالت اداری» بررسی کرد. برای تبیین بهتر موضوع در قسمت‌های بعد، ذکر این مطلب خالی از فایده نخواهد بود که حدود صلاحیت شعب دیوان به موجب بندهای سه‌گانه ماده (۱۰) قانون دیوان عدالت اداری و حدود صلاحیت هیئت عمومی نیز در ماده (۱۲) این قانون مشخص شده است.

بند اول. صلاحیت شعب دیوان در تضمین حق دسترسی به اطلاعات

حدود صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری در تضمین حق دسترسی به اطلاعات را می‌توان از رهگذر بند (۲) ماده (۱۰) قانون دیوان عدالت اداری بررسی کرد. بر اساس این بند، یکی از صلاحیت‌های شعب دیوان، «رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها» است. هدف از طرح این مقدمه، واکاوی این مسئله است که آیا شعب دیوان بر اساس این بند، صلاحیت رسیدگی به آرای کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را دارند؟ همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یکی از صلاحیت‌های این کمیسیون، رسیدگی به اعتراض متقاضیانی است که در جریان مراجعه به مؤسسات مشمول قانون پاسخی دریافت نمی‌کنند یا نسبت به پاسخ ارائه‌شده اعتراض دارند.

نوع ورود به بحث و طرح این پرسش از این نظر است که بررسی سامانه اختصاصی این نهاد قضایی، سامانه مدیریت پرونده با عنوان اختصاری «سمپ»، حاکی از این موضوع است که در خواسته‌های ۴۷۱ گانه در این سامانه، ردیف جداگانه‌ای تحت عنوان «اعتراض به آرای کمیسیون انتشار و دسترسی

آزاد به اطلاعات» وجود ندارد. مصاحبه‌های انجام‌شده با برخی از قضات تخصصی این حوزه نیز بیانگر این است که تاکنون با پرونده‌هایی با این موضوع مواجه نشده‌اند.

شاید بتوان علت این موضوع و فقدان سابقه رویه قضایی را به تصویب آیین‌نامه ماده (۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در دوره زمانی اخیر پیوند داد؛ چون پیش از این تاریخ و بر اساس ماده (۱۸) این قانون، این کمیسیون صرفاً صلاحیت رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه و فرهنگ‌سازی را داشت، نه صدور رأی. تصمیم‌گیری و رسیدگی به اعتراض متقاضیان نیز از سال ۱۴۰۰ و با تصویب آیین‌نامه به این کمیسیون به صراحت اعطا شده است.

به دلیل نبود سابقه و رویه قضایی در این موضوع و حصری نبودن مراجع یادشده در بند (۲) ماده (۱۰)، ویژگی‌های این مراجع بررسی می‌شود تا روشن گردد آیا رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای این کمیسیون نیز در صلاحیت شعب دیوان قرار دارد. گفته شده است که بند (۲) ماده (۱۰) قانون دیوان عدالت اداری به صورت مستقیم، ناظر بر صلاحیت دیوان برای رسیدگی به تصمیمات مراجع اداری، ترافی یا همان دادگاه‌های اداری است.^۱ بر اساس تبصره (۳) ماده (۱۰) قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۴۰۲/۲/۱۰، مراجع اختصاصی اداری چنین تعریف شده‌اند: «مقصود از مراجع اختصاصی اداری، کلیه مراجع و هیئت‌هایی است که به موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضایی تشکیل می‌شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و شکایاتی می‌کنند که در صلاحیت آن‌ها قرار داده شده است...».

در واقع، دادگاه‌های اختصاصی اداری، مراجعی اداری با صلاحیت ترافی اختصاصی هستند که به موجب قوانین خاص در خارج از سازمان رسمی قضایی و محاکم دادگستری و عموماً به عنوان واحدهای کم و بیش مستقل، ولی مرتبط به اداره‌های عمومی تشکیل شده‌اند و صلاحیت آن‌ها منحصر به رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد اختلافات، شکایات و دعاوی اختصاصی اداری از قبیل دعاوی استخدامی، انضباطی، مالی، اراضی و ساختمانی است که معمولاً هنگام اجرای قوانین خاص مرتبط با ارائه خدمات

۱. شبیانی، عادل و غلام‌رضا مولایی، «درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۶، ۱۴۰۰، ص ۱۲۲.

عمومی و فعالیت‌های دولت، میان سازمان‌های دولتی و مؤسسات عمومی (اشخاص حقوقی حقوق عمومی) و افراد (اشخاص حقوق خصوصی) به وجود می‌آید و مطرح می‌گردد.^۱

بر اساس این تعریف، ویژگی‌های زیر را برای مراجع اختصاصی اداری می‌توان در نظر گرفت:

الف. ایجاد به موجب قانون خاص

ب. دارا بودن تشکیلات مستقل، اما مرتبط با ادارات عمومی خارج از سازمان رسمی قضایی و محاکم دادگستری
ج. رسیدگی به اختلافات، شکایات و دعاوی ناشی از اجرای قوانین خاص مرتبط با ارائه خدمات عمومی میان مؤسسات عمومی و افراد.

با در نظر گرفتن تعریف و ویژگی‌های ارائه شده در خصوص مراجع اختصاصی اداری می‌توان چنین نتیجه گرفت که کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از نوع مراجع اختصاصی اداری است؛ چون:

۱. تشکیل آن به موجب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بوده است؛
۲. در خارج از تشکیلات قوه قضاییه و با حضور اعضای از قوای سه‌گانه تشکیل شده و محل استقرار دبیرخانه آن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؛
۳. صلاحیت رسیدگی به اعتراضات اشخاص در خصوص عدم دریافت اطلاعات از مؤسسات عمومی را داراست که این اختلافات از نوع ترافعی هستند.

بنابراین، با دارا بودن هر سه ویژگی ذکر شده، بدون شک، این کمیسیون در زمره مراجع اختصاصی اداری قرار می‌گیرد.

نکته دیگری که در تأیید حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری در نظارت بر آرای این کمیسیون می‌توان به آن اشاره کرد، این است که بر اساس اصل ۳۴ قانون اساسی،^۲ دادخواهی، حق مسلم هر فرد است و رسیدگی اداری نمی‌تواند از بین برنده حق دادخواهی باشد که در دادگاه‌های دادگستری

۱. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، دادگاه اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، تهران: خرسندی، چاپ سوم، ۱۳۹۶، ص ۳۱.

۲. اصل سی و چهارم. دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.

انجام می‌شود. پس بایستی مرجعی قضایی برای رسیدگی به اعتراض‌های مردم در خصوص آرای این کمیسیون وجود داشته باشد. رأی وحدت رویه شماره ۲۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۰۸/۱۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مفید صلاحیت دیوان در رسیدگی به آرای مطلق مراجع اختصاصی اداری است، مگر در مواردی که به موجب قانون مستثنا شده باشد.^۱ چون نه در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و نه در آیین‌نامه‌های مصوب آن، مرجع قضایی برای رسیدگی به آرای این کمیسیون پیش‌بینی نشده است، ادعای صلاحیت شعب دیوان در خصوص رسیدگی به آرای این کمیسیون بر اساس بند (۲) ماده (۱۰) قانون دیوان عدالت اداری، بیش از پیش قوّت می‌گیرد.

بند دوم. صلاحیت هیئت عمومی در تضمین حق دسترسی به اطلاعات

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تضمین حق دسترسی به اطلاعات از سوی دیوان عدالت اداری در قالب نقش شعب و هیئت عمومی بررسی می‌شود. پس از بررسی نقش شعب در تضمین این حق، در خصوص هیئت عمومی دیوان عدالت اداری لازم به یادآوری است که این هیئت، وظایف سه‌گانه‌ای را بر اساس ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری بر عهده دارد که از میان این وظایف، ابطال مصوبات خلاف قانون که در بند (۱) این ماده به آن اشاره شده است، مورد نظر است. در واقع، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با ابطال مصوباتی که برخلاف مفاد قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات باشند، در پاسداشت این حق نقش بسزایی ایفا می‌کند.

برخلاف نبود رویه در شعب دیوان عدالت اداری، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد این قانون، مصوباتی را ابطال و آرای صادر کرده است که برخی از آن‌ها به این شرحند:

۱. قسمت (الف) دادنامه شماره ۴۳۷ و ۴۳۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع قسمت (الف) این دادنامه، ابطال اطلاق ماده ۳۸ اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات موضوع مصوبه شماره ۱۱۹۸۵/ت/۴۶۹۵۶ هـ مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۸ هیئت وزیران است. بر اساس این ماده مقرر شده بود: «خبرگزاری‌ها موظفند مطالب خود را به طور مستمر و با درج شماره و زمان جداگانه

۱. نک: نجابت‌خواه مرتضی، فاطمه افشاری و سید شهاب‌الدین موسوی‌زاده، «بررسی و آسیب‌شناسی ساختار و صلاحیت‌های مراجع اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیست و دوم، شماره ۷۷ و ۷۸، ۱۳۹۶، صص ۲۲۴-۱۹۹.

منتشر نمایند. درج منابع اخبار در خبرگزاری‌ها الزامی است.» شاکیان این پرونده، این ماده را مغایر ماده (۴) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات اعلام کردند که اشعار می‌دارد: «اجبار تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات به افشای منابع اطلاعات خود ممنوع است، مگر به حکم مقام قضایی و البته این امر نافی مسئولیت تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات نیست».

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به موضوع این شکایت و با استناد به ماده قانونی به این شرح، به ابطال مصوبه حکم داده است: «نظر به این‌که در ماده ۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۸ مقرر شده است که «اجبار تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات به افشای منابع اطلاعات خود ممنوع است، مگر به حکم مقام صالح قضایی و البته این امر، نافی مسئولیت تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات نمی‌باشد.» اطلاق قسمت اخیر ماده ۳۸ اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۸۵/ت۴۶۹۵۶ هـ. ۱۳۹۱/۱/۲۸ هیئت وزیران در الزام به درج منابع اخبار منتشره در خبرگزاری در حدی که شامل درج منابع اطلاعات منتشره باشد، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات هیئت وزیران تشخیص داده می‌شود و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود...».

۲. دادنامه شماره ۴۷۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع این دادنامه، ابطال بخش‌نامه شماره ۲۸/۱۷۳۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۲ شهرداری مشهد در خصوص ارائه ندادن و تحویل نشدن تصویر مدارک پرونده‌های ساختمانی به شهروندان است. بر اساس این بخش‌نامه مقرر شده بود: «نظر به این‌که در مواردی مشاهده می‌گردد، نامه‌ها، پرونده‌ها و سوابق آن‌ها و یا تصویر مدارک و مستندات پرونده و یا مکاتبات داخلی دوایر در اختیار ارباب رجوع بوده که بعضی از این نامه‌ها حتی دارای ارجاعات و پی‌نوشت داخلی نیز می‌باشد و این کار باعث بروز مشکلات متعددی نیز گردیده است. خواهشمند است دستور فرمایید جهت جلوگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی و به جهت رعایت مقررات اداری و حفظ و طبقه‌بندی اسناد از در اختیار قرار دادن سوابق اداری یا تصویر آن به ارباب رجوع خودداری و صرفاً شماره نامه جهت پی‌گیری به متقاضیان ارائه گردد».

شاکی، این بخش نامه را مغایر مواد (۶) و (۷) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات اعلام کرده بود که در نهایت، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ضمن مغایر دانستن این مصوبه با مواد یادشده به این شرح رأی داد: «طبق مواد ۶ و ۷ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ مقرر شده است: ماده ۶. درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آن‌ها مربوط می‌گردد یا نماینده قانونی آنان پذیرفته می‌شود. ماده ۷. مؤسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات، هیچ گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند. بنابراین، ایجاد محدودیت برای ارباب رجوع در پرونده‌های مربوط به آن‌ها تحت عنوان رعایت مقررات اداری در خصوص اختیار قرار ندادن سوابق اداری در بخش نامه شماره ۳/۱۷۳۰۳.۲۸/۱۲/۱۳۹۱ شهرداری مشهد مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود».

۳. دادنامه شماره ۷۳۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

بر اساس این رأی، نامه شماره ۴۰۰/۶۹۴۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۹ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به علت مغایرت با تبصره ماده (۵) و ماده (۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به این شرح ابطال شد: «بر اساس تبصره ماده ۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۸: «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است، باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد.» هم چنین به موجب ماده ۸ همین قانون: «مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت، مدت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد.» بنا به مراتب فوق و با عنایت به این که دسترسی ذی‌نفعان به اصل یا تصویر مصدق صورت جلسات مراجع اختصاصی اداری و کمیسیون‌های تشخیصی برای اطلاع آن‌ها از دلایل مخالفت مراجع و کمیسیون‌های مذکور با تقاضای آن‌ها و عنداللزوم طرح شکایت در مراجع قانونی از جمله دیوان عدالت اداری ضرورت دارد، بنابراین، حکم مقرر در نامه شماره ۴۰۰/۶۹۴۴. ۲۹/۳/۱۳۹۸ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که بر اساس آن، صرفاً نتایج مصوبات کمیسیون قانونی تشخیص امور پزشکی به ذی‌نفعان ارائه شده و تصویر صورت جلسات این کمیسیون‌ها به آن‌ها ارائه نمی‌شود، مغایر با حکم مقرر در تبصره ماده ۵ و ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به

اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۸ و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود».

۴. دادنامه شماره ۱۵۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

بر اساس این رأی، ردیف‌های ۱، ۲ و ۳ بند (الف) دستورالعمل شماره ۱۳۹۲/۵/۲۰-۱۰۰۰/۹۲/۴۸۲۵ سازمان تأمین اجتماعی به علت مغایرت با مواد (۲) و (۷) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به این شرح ابطال شد: «بر اساس ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶، هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آن‌که قانون منع کرده باشد. موانع دسترسی به اطلاعات در فصل چهارم قانون تصریح شده است و مؤسسات مشمول قانون باید از ارائه اطلاعات موضوع فصل چهارم قانون خودداری نمایند. هم‌چنین وفق ماده ۷ این قانون، «مؤسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند.» بنا بر مراتب ردیف‌های ۱، ۲ و ۳ بند (الف) دستورالعمل شماره ۱۳۹۲/۵/۲۰-۱۰۰۰/۹۲/۴۸۲۵ سازمان تأمین اجتماعی که به نحو اطلاق و بدون ذکر قیود مذکور در قانون، ارائه آمار را به اخذ درخواست کتبی که درگیرنده علت درخواست باشد، منوط کرده است، به شرح فوق‌الذکر مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود».

نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع عالی رسیدگی به دعاوی علیه دولت (که منبع اصلی اطلاعات عمومی است)، پرداختن به چگونگی ایفای این نقش در تضمین حق دسترسی به اطلاعات، موضوعی شایسته بررسی است. یافته‌های پژوهش در مجموع نشان می‌دهد این نقش مهم در دو گونه عمل اداری مانع نشر اطلاعات و به دو صورت متجلی شده است. در خصوص اعمال اداری عام‌الشمول (مصوبات و نظام‌نامه‌های مانع نشر اطلاعات)، این نقش در قالب ابطال مصوبات خلاف قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بروز پیدا کرده است. به عبارت دیگر، نقش دیوان در این قسمت برجسته بوده و دارای فعلیت است.

برخلاف این نقش، در خصوص اعتراض به آرای کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات این نقش در محدوده بالقوه بودن باقی مانده و نتوانسته است رسالت خود را محقق کند. دلیل اصلی این وضعیت در خصوص رسیدگی به آرای کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، نوپا بودن این کمیسیون است. دلیل مهم دیگر، پایین بودن مشارکت و مطالبه‌گری مردم در این حوزه است. واقعیت این است که به لحاظ قانونی، چنین نقش نظارتی برای دیوان عدالت اداری وجود دارد که می‌تواند تضمین‌کننده حق دسترسی به اطلاعات عمومی باشد، ولی شکایت نداشتن مردم سبب شده است رویه خاصی از سوی شعب دیوان عدالت اداری در این خصوص ایجاد نشود.



فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، تهران: دادگستر، ۱۳۸۷.
۲. انصاری، باقر، حق دسترسی به اطلاعات، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، ۱۳۹۹.
۳. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، دادگاه اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، تهران: خرسندی، چاپ سوم، ۱۳۹۶.

ب) مقاله

۱. خانی والی‌زاده، سعید، «کمسیون‌های دسترسی به اطلاعات در پرتو حقوق فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۵۴-۱۲۷.
۲. شیبانی، عادل و غلام‌رضا مولایی، «درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۶، ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۱۱.
۳. نجابت‌خواه مرتضی، فاطمه افشاری و سید شهاب‌الدین موسوی‌زاده، «بررسی و آسیب‌شناسی ساختار و صلاحیت‌های مراجع اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیست و دوم، شماره ۷۷ و ۷۸، ۱۳۹۶، صص ۲۲۴-۱۹۹.
۴. نمک‌دوست، حسن، «آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۸۲، صص ۱۰۸-۶۳.
۵. ویژه، محمدرضا و آزاده‌سادات طاهری، «تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتوی اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات»، فصل‌نامه پژوهش حقوق، شماره ۳۵، ۱۳۹۰، صص ۲۶۸-۲۳۷.

2. Latin Source

1. Amaryllis, V., "The Right to Information: A Fundamental Right", 2000, available at: www.eipa.nl/Publications/Summaries/1997_2000/WorkingPapers/ConferenceProceedings/Amaryllis.pdf.
2. Blanton, T., "The Global Openness Movement in 2006: 240 Years after the First Freedom of Information Law, Access to Government Information Now Seen as a Human Right", Anders Chydenius Foundation, 2006.
3. Dyrberg, P., "current issues in the debates on public access to documents", European law review, 1999.
4. Laveissier, J., "L' accès aux documents administratifs", Information et transparence administratives, 280, 1988.

